# تبیین تئوری اجتماعی آل‌احمد در رمان نفرین زمین

ابراهیم رنجبر[1]

## چکیده

رمان نفرین زمین از نظر انعکاس آرا و پیشگویی‌های اجتماعی و مخالفت آل‌احمد با تجدد، مهم‌ترین اثر داستانی او است. در این رمان، همت او بیش از اینکه مقصور خلق اثری داستانی باشد، منحصر به ارائه تحلیلی اجتماعی از عصر خود و هشدار از وقوع تجدد است که از دیدگاه او آفت‌هایی بنیان‌کن در پی دارد. در این اثر، پدیدهٔ اصلاحات ارضی در زنجیرهٔ یک تئوری قابل استنباط و بررسی است. از این رو و همچنین به‌دلیل وفور مضامین اجتماعی، آن را با برخی از مدل‌های تبیین در علوم اجتماعی تطبیق دادیم تا جایگاه بینش اجتماعی این روشنفکرِ مطرح و صاحب قلم که آثارش هنوز هم خواننده و طرفدار دارد، در عرصهٔ نظریه‌پردازی اجتماعی بیش از پیش روشن شود. حاصل این تطبیق آن است که تئوری وی فقط با یک مدل تبیین قابل تطبیق نیست، بلکه برای تبیین آن باید از چند مدل استفاده کرد. تمام نظریات اجتماعی او صائب و قابل دفاع نبوده و برخی با ضعف‌های اساسی مواجه است.

## واژگان کلیدی

نظریه اجتماعی، روشنفکر، تجدد، فئودالیسم و بورژوازی.

**فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی ◦ سال اول ◦ شماره اول ◦ زمستان ۱۳۹۰ ◦ صص ۷۶-۵۷**

---

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی.

## مقدمه

آل‌احمد رمان نفرین زمین را برای ایفای رسالت یک روشنفکر متعهد نوشت، «به قصد گفتن آخرین حرف‌ها دربارهٔ آب،... زمین و... وابستگی اقتصادی به کمپانی و... نیز به قصد ارزیابی دیگری خلاف اعتقاد عوام، سیاست‌مداران و حکومت از قضیهٔ فروش املاک که به اسم اصلاحات ارضی جایش زده‌اند» (آل احمد، ۱۳۵۶ الف: ۵۴). زمینه آن حاصل مشاهدات، تجربیات و خلاصهٔ تأملات، تحقیقات و نظریات اجتماعی و اقتصادی نویسنده است و به اعتباری آخرین و پخته‌ترین[1] اثر او محسوب می‌شود. بررسی این رمان را می‌توان بررسی خلاصهٔ آثار آل‌احمد تلقی کرد.

موضوع[2] این رمان زندگی معلمی است که برای تدریس پایهٔ پنجم ابتدایی وارد دهی می‌شود که نمایندهٔ تمام ده‌های ایران است و پس از یک سال تدریس با خاطراتی از ده یا به عبارت دیگر از صحنهٔ داستان خارج می‌شود. در این کتاب در ضمن آشنایی با کار و زندگی او، با زندگی روستاییان آشنا می‌شویم.

مضمون[3] آن، بررسی و اظهار نظر در مورد تحولات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تمدن، هویت، عناد حکومت با مذهب رسمی کشور و گرایش به ادیان قدیم و جدید از جمله دین یهود و بهایی‌گری، تولید و مصرف، جدال بورژوازی با فئودالیسم و نحوهٔ استفاده از امکانات اقتصادی ایران در زمینهٔ داستانی واقعهٔ تاریخی اصلاحات ارضی و عوامل و تبعات آن است. آل احمد با دید مخالف به این واقعهٔ تاریخی می‌نگرد و آن را

---

۱. این رمان به دو اعتبار پخته‌ترین اثر آل‌احمد محسوب می‌شود: یکی اینکه آل‌احمد پس دو دهه تفکر و تحقیق در مورد مسائل اجتماعی ایران، آخرین نظریات خود را در این زمینه ابراز کرده است؛ دیگر اینکه «زبانی که برای مدیر مدرسه گزیده بود، در این داستان به نهایت پختگی می‌رسد. در این اثر هیچ‌گونه برداشت احساساتی... و تخیلی به چشم نمی‌خورد. نگاه نویسنده بر جنبه‌های خشن... زندگی روستایی می‌افتد و... تصویرهای زنده... می‌گیرد... و نخستین داوری هنری در» مورد اصلاحات ارضی است (مصباحی‌پور ایرانیان، ۱۳۵۸: ۱۷۸).

1. Subject
2. Theme

محصول برنامه‌های استعماری غرب و عوامل آن در ایران، معرفی و مسائل و مشکلات جامعهٔ ایرانی را در گذر از فئودالیسم به بورژوازی، در قالب زندگی مردم یک روستا منعکس می‌کند.

جدی‌ترین بحثی که در مورد این رمان صورت گرفته است، بخشی از کتاب «واقعیت اجتماعی و جهان داستان» نوشتهٔ مصباحی‌پور (۱۳۵۸) است. وی در این کتاب سعی کرده که جنبه‌های رئالیسم را در رمان نفرین زمین نشان دهد. از نظر او، این رمان واقعیات عریان زندگی روستایی را به نمایش گذاشته است. دو دهه پس از او، میرزایی در کتاب ارزشمند «جلال اهل قلم» (۱۳۸۰) زمینه‌های فکری آل‌احمد را در مذهب، تعلیمات کسروی و اندیشه های مارکسیستی ـ لنینیستی جسته و سعی کرده تأثیرات سارتر و کامو را بر افکار آل‌احمد نشان دهد. در بحث از افکار آل‌احمد مفاهیم سیاسی و اجتماعی از قبیل غربزدگی حاکمان، فرقه‌های روشنفکری و جایگاه مذهب و روحانیت مطرح شده‌اند، اما جایگاه ده و اصلاحات ارضی و تحول اقتصاد کشاورزی به صنعتی در آن خالی است. با وجود این آثار محققانه، تطبیق نظریات اجتماعی آل‌احمد با روش‌های تبیین در علوم اجتماعی کاملاً خالی است.

آل‌احمد با فکر و زبان مؤثر، یکی از استوانه‌های فکری و ادبی روزگار خویشتن و از نظر تأثیرات علمی و ادبی یکی از ارکان مطرح در میان نسل‌های بعدی است. آثار او را در سطوح متنوع جامعه می‌خوانند. اما در شناختن او چقدر آثار مفید و مکفی هست و آیا او را از تمام جنبه‌ها کاملاً می‌شناسیم؟ آیا جایگاه نظریات اجتماعی او تعیین شده است؟ متأسفانه باید به این پرسش‌ها پاسخ منفی دهیم. اگر تاریخ نگاری به معنی بررسی مکرر و منطقی و علمی و منصفانه و دور از هیاهوهای غبارانگیز و تاریخ یکی از معلمان بشر است، دانستن تاریخ به اندازهٔ اهمیت و ضرورت زندگی بهتر ضروری است و همین طور شناختن برهه‌ای از تاریخ اجتماعی و ادبی ضرورت دارد و شناختن افکار و عواطف و آثار آل‌احمد، ضرورت تام دارد، اما هنوز تا شناختن او راه زیادی در پیش است و او را چنانکه باید نشناخته‌ایم و جای آثار متعددی در این میدان خالی است.

روش این بررسی، تحلیل اسنادی و تطبیق با مدل‌ها است، بدین ترتیب که در رمان نفرین زمین شخصیت‌ها، موضوع، مضمون و نمادها را بررسی و استخراج کرده و در کنار هم نهاده‌ایم تا بتوانیم به افکار نویسنده دست یابیم. نظریات اجتماعی او را در کنار هم

نهاده‌ایم تا به تئوری اجتماعی مورد نظر برسیم. در تمام موارد مستندات تمام ادعاها از همین رمان اخذ شده است و هر جا که برای اثبات ادعایی لازم بوده، از دیگر آثار آل‌احمد شاهد آورده‌ایم. برای تعیین جایگاه آل‌احمد در تئوری‌پردازی اجتماعی، نظریات او را با چند مدل تبیین اجتماعی پدیده‌ها مطابقت داده‌ایم تا هم جایگاه او روشن شود و هم به درجات قابلیت تعمیم یافتن تئوری‌های او پی ببریم.

## ۱. مبانی نظری

مبنای نظری نگارش این رمان دو نظریهٔ اجتماعی آل‌احمد است: غربزده بودن روشنفکران و ارکان حکومت ایران و نیز لزوم ایستادگی روشنفکران متعهد بر سر سنت‌ها برای مقابله با آفت‌های تجدد.[۱] بارقه‌های نظریهٔ اول را در داستان «دید و بازدید عید» (۱۳۲۳) در وصف خانهٔ یک استاد دانشگاه می‌بینیم و آثار نظریهٔ دوم را در آثار بعد از انشعاب از حزب توده.

نطفهٔ این رمان در ذهن نویسنده از سال ۱۳۲۷ به بعد بسته می‌شود و در سال‌های بعد تجاربی رخ می‌نمایند که او را به نگارش آن برمی‌انگیزد. در بحبوحهٔ مطالعات اعضای حزب «جمعیت سوسیالیست تودهٔ ایران» (که از حزب توده انشعاب کرده بودند) در مورد طرح‌های کشاورزی در ایران، به تأمل در مورد روستاهای ایران می‌پردازد و تعدادی از آنها را از دیدگاه مالکیت و امکانات کشت و فرهنگ و زبان مستقل و بی‌تأثر از فرهنگ و زبان پایتخت بررسی و منتشر می‌کند. در مورد لزوم توجه و بازگشت به روستا چنین ابراز عقیده می‌کند: «هستهٔ اصلی تشکیلات اجتماعی این سرزمین و زمینهٔ اصلی قضاوت دربارهٔ تمدن آن دهات پراکنده است» (آل احمد، ۱۳۷۳: ۵). همچنین در سال ۱۳۳۸ درد اصلی مردم ایران را چنین بیان می‌کند: ایران «بیست میلیون گرسنهٔ درماندهٔ نومید از همه جا رانده دارد که ثروتش باید گردانندهٔ چرخ عظیم دنیای مدعی تمدن باشد و فرهنگ و زبانش پایمال همان ماشین‌ها یا روفته از دم جاروب سینما و رادیو و المپیاد و همه چیزش طعمهٔ بالقوهٔ این یکدستی عظیمی که دنیای ما به اجبار ماشین محکومش گشته» (آل احمد، ۱۳۵۷الف: ۲۹). برای فرار از این آفت‌هایی که به نظر او از راه می‌رسند، باید روستاها را با معیار ملی و محلی آباد کرد و از بلایای صنعت غربی مصون داشت تا بتوان با امتیازات فرهنگی خاص،

---

۱. در مورد آغاز تجدد (Modernity) در ایران و آثار و مصداق‌های آن رجوع شود به:
– ماشاالله آجودانی، مشروطه ایرانی، تهران: اختران، ۱۳۸۳.
– عبدالحسین زرین‌کوب، نقد ادبی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۱.

در میان دیگر ملل دنیا ابراز وجود کرد. در همین سال در سفر به «ولایت عزراییل» از مرکز نظام اشتراکی کشاورزی، کیبوتس، دیدن می‌کند. از رئیس آنجا می‌شنود که «استقرار در یک کیبوتس در آغاز کار نوعی فرار از آوارگی بود و جست‌وجوی استقرار و ناچار بازگشت به زمین، و حالا... مرد عادی عزرائیلی خودش را پاگیر شده احساس می‌کند» (آل احمد، ۱۳۸۴: ۸۰). با توجه به مشاهدهٔ یک الگوی موفق که مردمان سرگردان را با زمین ساکن کرده است، اهمیت روستا در نگاهش برجسته‌تر می‌شود و به صراحت اعلام می‌کند که «در این آنارشی‌ای که فعلاً ما داریم، در این هرج و مرج و در این نیهیلیسم، برگشت به آب و خاک لازم‌ترین چیز است» (آل احمد، ۱۳۵۷الف: ۷۵). در سال ۱۳۴۵ نیز اعلام می‌کند: «واقعهٔ اساسی چنین ممالکی [یعنی ایران] این روزها در ده‌ها می‌گذرد و اگر چیزی باید تحول یابد در آن جاهاست» (آل احمد، ۱۳۵۷ب: ۱۵۱). این شواهد و قراین و تجارب و سفرها نشان می‌دهند که نطفهٔ رمان نفرین زمین از اواخر دههٔ دوم قرن حاضر شمسی در ذهن او منعقد می‌شود و به مدت دو دهه اسناد و شواهد آن را جمع آوری می‌کند. علاوه بر این قراین، آل‌احمد به تصریح گفته است: «من از [تأثیر مخرب ماشین در ده] یک آرشیو درست کرده‌ام برای یک قصه» (آل‌احمد، ۱۳۵۶ب: ۹۲).

در کنار اینها، تجربهٔ سلب مالکیت از کشاورزان در انگلستان در پیش روی است. «در قرن شانزدهم، کشاورزی انگلستان عمدتاً به دست برزگران خرده مالک بود. در قرن هفدهم، قوانین تحجیر به تصویب رسید که حق تصرف زارعان در زمین را الغا کرد. در قرن بعد این فرایند سبب شد که خیل کثیری از خرده‌مالکان زمین خود را دربازند و اقتصاد کشاورزی را ترک گویند و به‌صورت سیلی از کارگران بی‌زمین به شهرها روانه شوند. علت این تحول چه بود؟ به باور مارکس، شرط مقدم رشد سرمایه‌داران آن است که ذخیرهٔ عظیمی از کارگران قابل استخدام در اختیار سرمایه‌داران باشند و در جامعه‌ای که عموم مردم دسترسی آسان به زمین دارند، به زحمت از زمین دست برمی‌دارند و خود را اجیر سرمایه‌دار می‌کنند، بنابراین اقتصاد خرده‌مالکی برزگران مانعی است در راه رشد سرمایه‌داری. به نظر مارکس، فرایند [تحجیر]، آرایشی بود در اجتماع انگلستان که ذخیرهٔ کافی از نیروی کارگری را در اختیار سرمایه داران می‌نهاد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۲۱). مشابه این تحولات در آمریکای لاتین و ژاپن هم کشاورزی را قربانی صنعت می‌کند (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۷۷– ۱۷۸ و ۱۸۶–۱۸۸). این گونه تحولات برخاسته از تجدد، در ایران مسائل اجتماعی

در پی دارد که مقصود اصلی این نوشته ذکر این مسائل و بررسی مدل‌های تبیین[1] آن است.

## ۲. مفهوم و انواع تبیین

غرض از تبیین یک پدیده، این است که فلسفهٔ وجودی آن را بر حسب علل یا عوامل یا فواید آن یا معانی موجود در آن یا اهداف پدیدآورندگان آن، در چهارچوب یک قانون یا نظم قانونمند تعریف و توجیه کنند، به شرطی که هم قابل رد و اثبات و هم لایق تعمیم به پدیده‌های مشابه باشد.

تبیین یک پدیده ممکن است به اعتبار علل و عوامل ایجاد کنندهٔ آن باشد که آن را تبیین علّی می‌نامیم. در بررسی روابط پدیده‌ها با تبیین علّی (نظم علی) حوادث به شرطی با یکدیگر پیوند علّی دارند که قوانینی علّی علت را به معلول ربط دهند که به احتمال زیاد پای حوادث زیادی را به میان خواهند کشاند. برای مبرهن کردن ربط علی آن حوادث باید از سازوکار علّی[2] ربط دهندهٔ آنها پرده برداریم. گاه رابطهٔ پدیده‌ها بر اثر سازوکار علّی مستقیم (بی‌واسطه) است. یعنی پدیده‌ای علت مستقیم پدیده‌ای دیگر است. گاهی بر اثر سازوکار علّی غیر مستقیم (باواسطه) است؛ یعنی رابطهٔ دو پدیده بر اثر سازوکار علّی باواسطه و غیر مستقیم است؛ به عبارت دیگر، دو پدیده منبعث از شرط دیگری است. اگر نظریات کسی مبتنی بر روش خاص باشد، او را باید قانون‌گرا نامید.

یکی از روش‌های مطالعهٔ علّی پدیده‌های اجتماعی اقدام به روش استقرا است؛ یعنی از استقصا در نمونه‌ها به تئوری قابل تعمیم رسیدن. در این روش اختیار فاعلان و معانی پدیده‌ها فراموش می‌شود. روش کسانی مانند مارکس[3] و استیوارت میل[4] (لیتل، پیشین: ۱۷) که معانی امور و افعال و پدیده‌ها و اختیار عاقلانهٔ فاعلان اجتماعی را فرومی‌نهند، شبیه روش کسانی است که در عرصه‌های طبیعی مطالعه می‌کنند.

---

۱- هرچند نظریات اجتماعی آل‌احمد تعمیم نیافت و او به‌عنوان یک نظریه پرداز اجتماعی معرفی نشد، اما همواره در مورد حکومت و مدیریت جامعه و اقتصاد و فرهنگ، در مقام یک نظریه‌پرداز اجتماعی اظهار نظر کرده است و از تجمیع نظریات پراکندهٔ او که در آثارش ذکر شده، می‌توان نظریهٔ جامع اجتماعی او را به ترتیبی که در این مقاله هست، استخراج کرد.

۲. در این جا سازوکار علّی عبارت است از رشته‌ای از حوادث که خود محکوم نظمی قانون‌وار است و از علت شروع می‌شود و به معلول ختم می‌شود. نظم قانون‌وار «نظمی است حاکم بر حوادث که منبعث از خواص و قوای یک دسته اشیای مختلف است و رفتار و تعامل آنها را می‌تواند توضیح دهد» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۶).

3. Karl Marx

4. John Stuart, Mill

یکی دیگر از مدل‌های تبیین پدیده‌های اجتماعی، تفسیر معانی رفتارهای فاعلان آنها است، تفسیر یعنی سرچشمه‌های افعال فردی و جمعی را در اعماق جان و فرهنگ آدمیان جستن. پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیان هستند. آدمیان فاعلانی هستند که ارزش‌ها، اعتقادات، هنجارها، توانایی‌ها، قابلیت‌ها، محرک‌ها، موانع و عناصری از این قبیل که همه برخاسته از ذات سودجوی مادی و معنوی عاقلانه و مختار انسان است، بر افعالشان حاکمیت دارد. در حقیقت فرض این است که آدمیان به حکم عقل فردی و جمعی در چهارچوب اعتقاداتشان نسبت به شقوق ممکن و عواقب محتمل آن شِقّی را برمی‌گزینند که برای رسیدن به آمالشان بهترین راه ممکن باشد، چون آدمیان بر حسب فهم و نیاز خود عمل می‌کنند. در این مدل کار تفسیرکننده این است که معلوم کند معنی یا اهمیت افعال اجتماعی برای فاعل چیست. علوم اجتماعی ناچار باید تفسیری و معنی‌کاو باشند، مقوم اعمال اجتماعی معنایی است که فاعلان برای اعمال می‌بخشند. در علوم اجتماعی واقعیتی که از هر گونه معنای خاص فرهنگی عاری و فارغ باشد [نیست]. تحلیل مقنع یک پدیده وقتی به دست می‌آید که معلوم شود در آن فرهنگ فاعلان برای افعال و پیوندهای اجتماعی خود چه معنایی قائل هستند» (همان: ۱۱۴–۱۱۵). عالم علم‌الاجتماع در تبیین پدیده‌ها به عاقلانه و مختار بودن کار فاعلان باید توجه کند. در واقع تحولات اجتماعی محصول نیندیشیدهٔ استراتژی‌های سنجیده‌ای است که فاعلان صاحب عقل و اراده یا عقل جمعی در پیش می‌گیرند.

سومین مدل از مدل‌های تبیین پدیده‌ها، «تبیین خدمتی» است. «تبیین‌های خدمتی شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند. تبیین خدمتی هر پدیده، تبیینی است که علت (مبیِّن) را در دل نظامی متفاعل می‌نشاند که خود در حال تعادلی دینامیک یا تحولی کنترل شده است و حضور هر جنبه یا عنصر را بر حسب اثر سودمندی که برای کل نظام دارد، تبیین می‌کند» (همان: ۱۵۱–۱۵۲). هدف این است که نشان دهد فلان عامل در کل نظام اجتماعی یا فرهنگی چه نقشی بازی می‌کند[1] (همان: ۱۵۶). رمان نفرین زمین را با این سه مدل تطبیق می‌دهیم چون با این مدل‌ها بیش از همه مناسبت دارد.

---

۱. لیتل (۱۳۷۳) سعی کرده است که تمام مدل‌های تبیین را معرفی کند. علاقه‌مندان می‌توانند برای آشنایی با نظریات تبیین به آن مراجعه کنند.

## ۳. یافته‌ها

آل احمد در لابه‌لای زندگی داستانی برخی از تیپ‌های اجتماعی که هر یک نماینده‌ای در این رمان دارد، از اکثر مسائل ایران سخن گفته است، از جمله اینکه در جامعه و خصوصاً روستاها، مقارن اصلاحات ارضی، منطقی بر امور جامعه و برنامه‌های اصلاحات ارضی حاکم نیست که از هدفی جامع و چشم اندازی خشنودکننده حکایت کند. همه جا نشان تشتت، بی‌نظمی و نگرانی هست؛ علت اصلی اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی نه نفع روستاییان، بلکه بازاریابی برای مصنوعات غربیان است. بنابراین مجریان آن غربزدگان و سرسپردگان به ارزش‌های غربی هستند؛ از برنامه‌های غلط دولت، در اغلب سازمان‌ها و نهادهای موجود در جامعه هیچ کس و هیچ چیز در جای خودش نیست، برای مثال سرهنگ ارتش کشاورزی می‌کند و روستازادگان به درجه‌داری ارتش پناه می‌برند؛ طرفداران تحول اقتصادِ ایران از فئودالیسم به بورژوازی، بیگانگانی هستند که برای مصنوعات خود بازار می‌جویند و مجریان برنامه‌های آنان مالکان و نمایندگان فئودالیسم سنتی‌اند که اغلب به مقامات اجرایی و تقنینی رسیده و سر به خواسته‌های دول قدرتمند سپرده و رشوه و رابطه را جانشین قوانین و ضوابط کرده‌اند (ص۱۲، ۲۴، ۵۵، ۵۹-۶۰، ۷۹، ۲۲۴-۲۲۵، ۲۵۳ و ۲۵۵-۲۵۶). ارزش هر انسانی به نسبت میزان تولید و مصرف اوست و طبعاً روستاییان که تولید و مصرفشان ناچیز است، قشری فراموش شده محسوب می‌شوند و برای ورود به این کاخ شرف باید زراعت و دامداری را به کارگری صنعتی بفروشند و مانند شهرنشینان بندهٔ مصرف شوند. آنگاه ایرانی ناچار در کنار ماشین، گوشت و گندم وارد کند (ص ۷۹-۸۱ و ۸۶)؛ درآمد یک دفتر وکالت در شهر، چندین برابر درآمد یک ده است و این آثار شوم خود را دارد (ص۸۴)؛ بخش اعظم درآمد ناچیز روستا را مالک‌زادگان در شهرها یا کشورهای خارج مصرف کرده، موجبات افزایش فاصلهٔ روستاها را از شهرها فراهم می‌کنند؛ روستانشینان خیلی دیرتر از شهرنشینان هویت خود را از دست می‌دهند و به بندهٔ مصرف تبدیل می‌شوند. بدین جهت حکومت برای گسترش بازار مصرف مصنوعات غربی، روستانشینِ تولیدکننده را به شهرنشین مصرف‌کننده بدل می‌کند؛ مصنوعات غربی صنایع ضعیف روستایی را به نابودی می‌کشند و درآمد ناچیز کشاورزی کفاف زندگی روستایی را نمی‌دهد و انگیزه‌ای برای روستایی جهت ماندن در ده نمی‌ماند (ص۱۰، ۱۳، ۱۸، ۱۹، ۵۳، ۸۲، ۱۵۴، ۱۵۸-۱۶۲، ۱۷۱، ۲۲۲، ۲۷۰ و ۲۷۴)؛ وام تعاون

روستایی به مصرف‌گرایی و شهرنشین شدن اهل ده دامن می‌زند و پای مصنوعات خارجی را به خانهٔ روستاییان باز می‌کند و بر جلوه‌های فریبندهٔ شهر و سرعت گذر از فئودالیسم به بورژوازی می‌افزاید (ص۱۳، ۳۰، ۱۴۶، ۲۲۰-۲۲۳، ۲۳۵ و ۲۷۲)؛ جوانان را نه در گروه کشاورزان بلکه در دستهٔ مردم معترض به وضع موجود می‌بینیم که به اعمال و رفتارهای بزرگان ده معترض‌اند. زمین‌ها را می‌فروشند و در شهرها به عملگی مشغول می‌شوند (ص ۱۰۶، ۲۴۷، ۲۶۴ و ۲۷۷). رادیو در گسترش تجدد تأثیر بسزایی دارد (ص۱۰۶). آل‌احمد اینها را نتایج ساختارهای جدید و گسترش تجدد می‌داند و درصدد برمی‌آید که با قلم در مقابل این مشکلات بایستد. در نتیجه برای روشنگری به تبیین مراحل و حلقه‌های زنجیرهٔ سازوکار تحول می‌پردازد.

از نظر او در تحولات فرهنگی ایران که منجر به وابستگی فرهنگی به غرب می‌شود، نوعی سازوکار علّی موجود است بدین تفصیل: غربزدگی حاکمان[۱] ↔ فروش نفت[۲] ← ورود ماشین[۳]← مصرف‌زدگی[۴]← عدم تعادل بین شهر و روستا ← مهاجرت روستایی به شهر ← گسترش شهرنشینی[۵] ← مغفول ماندن فرهنگ و زندگی سنتی ← تزلزل فرهنگی مردم ← از دست رفتن استقلال کشور در غالب عرصه‌های زندگی[۶] ← احساس حقارت مردم در مقابل عظمت ماشین و سازنده‌اش.

---

۱. از نظر آل‌احمد، حکومت در اجرای اصلاحات منافع کمپانی‌های غربی را حفظ می‌کند و «تقسیم املاک ارباب عوض کردن» است (آل احمد، ۱۳۵۷ب: ۲۱۲). این دلیل غربزدگی حاکمان است.

۲. میان حکومت غربزده و فروش نفت پیکان دو طرفه است، یعنی معلوم نکرده است که حکومت غربزده ناگزیر است که نفت را بفروشد یا وجود نفت در ایران ایجاب کرده است که حکومت غربزده سر کار آید. این دو می‌توانند جای همدیگر بنشینند.

۳. ماشین راه ورود کمپانی‌های غربی را آسان‌تر می‌کند. کما اینکه «نمایندهٔ کمپانی با مترجمش» (همان: ۷۸) همراه آسیاب موتوری وارد ده می‌شوند.

۴. کشوری که ماشین را وارد کند و سازندهٔ ماشین نباشد، مصرف‌کننده است. حتی با وام شرکت تعاون «یا به حج می‌روند یا زن دوم می‌گیرند» (همان: ۲۸۷).

۵. با پیدا شدن ماشین مهاجرت روستایی به شهر شروع می‌شود: «بوق کامیون بلند شد... اشاره کرد به ددر رفتن جوان‌ها در شهرها... مشغول گپ زدن بودم با دوتا از جوان‌ها که از عملگی کوره‌پزخانه به ده برمی‌گشتند» (همان: ۲۱۵، ۲۱۷ و۲۴۷).

۶. در مورد تزلزل فرهنگی و اقتصادی به دو نکتهٔ نمادین اشاره می‌کنیم: هنگام ورود آسیاب موتوری به ده «دو تا سواری... چرخ‌های‌شان را عین مُهر لاستیکی به خون گاو قربانی شدهٔ اربابی رنگ زدند و هر کدام ده دوازده‌تایی انگ خونین... بر زمین میدانگاهی نهادند» (همان: ۷۸). در این نوشته رنگ خون گاو در چرخ ماشین تمثیلی است از قربانی شدن فرهنگ محلی در پای صنعت بیگانه؛ تعبیر دیگر فروش یک پیه سوز عتیقه است برای خرید یک چرخ کره‌گیری (همان: ۲۸۶). پیه سوز عتیقه نمادی است از میراث فرهنگی ایران و چرخ کره‌گیری نمادی است از مصنوعات غربی.

در این سازوکار هر پدیده‌ای پدیده‌های دیگر را در زنجیرهٔ علیت به دنبال خود می‌کشد. رابطهٔ پدیده‌ها یا بر اثر یک سازوکار علی مستقیم (بی واسطه) یا بر اثر سازوکار علی غیر مستقیم (با واسطه) و یا بر اثر تلازم است. هریک از حلقه‌های این زنجیر بر تئوری[1] ساده‌ای در باب رفتارها و مقتضیات هر حلقه متکی است.

از نظر آل‌احمد، رابطهٔ فروش نفت و ورود ماشین مصداق سازوکار علّی مستقیم (اولی علت دومی) است. رابطهٔ غربزدگی حاکمان با آن دو مصداق سازوکار علّی غیر مستقیم است؛ یعنی غربزدگی حاکمان علت مستقیم آن دو پدیده نیست، بلکه شرطِ آن دو است. به دیگر سخن، از دیدگاه او گاه نفت علت غربزدگی حاکمان و گاه غربزدگی حاکمان علت فروش نفت و ورود ماشین از ملازمات آن است. گاهی هم ماشین علت تجدد یا تحول فرهنگی محسوب نمی‌شود، بلکه شرط لازم و کافی برای تحولات جدید ایران باید تلقی شود. آل‌احمد از علت‌ها و معلول‌ها سخن می‌گوید، اما از نظم قانون‌وار و از سازوکار علّی ربط‌دهندهٔ حوادث پرده برداری نمی‌کند و در سخنان او وجود سازوکار علّی که علت نخست را به معلول نهایی (نه هدف غایی) بپیوندد و مفهوم تلازم میان متغیرهای مورد نظر او و مفهوم شرط لازم یا کافی بودن ورود ماشین برای تحول فرهنگی، به آسانی قابل اثبات نیستند. یعنی ادعای او به روش قیاسی، جای کشف سازوکار علیت‌های قابل اثبات به روش استقرایی را گرفته است.

گاه آل‌احمد اعتبار دادن به معانی رفتارهای فاعلان را فدای برخی تئوری‌های شایع عصر می‌کند. برای مثال ایرانیان را در پذیرفتن زندگی ماشینی مغلوب و مجبور تلقی می‌کند نه فاعلانِ مختاری که معنا و خواستی در رفتار آنان هست و این متأثر از نگرش نویسنده به حوادث از بیرون و نه از درون و فراموش کردن معانی پدیده‌ها و اختیار ایرانیان در مقابل حوادث و در تصمیم‌گیری‌های ارادی است و این یعنی تحمیل تئوری‌های مارکس بر روند بررسی تحولات اجتماعی ایران.

از آنجا که مبلّغ (قرائت خاصی از) اندیشه‌های مارکس حکومت شوروی و نمایندهٔ آن در ایران حزب توده است، آل‌احمد ایران را در معرض خطر نفوذ دو قدرت بی‌امان مارکسیسم شوروی و کاپیتالیسم اقتصادی غرب می‌بیند. به حکم رسالت روشنفکری به

---

۱. غرض از تئوری در اینجا «مجموعه‌ای از روابط بین متغیرها است که یک پدیده را توصیف، تبیین، پیش‌بینی یا کنترل می‌کند» (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۴).

روشنگری می‌پردازد، اما شدت احساس خطر او را از نگاه عمیق و مجرب بازمی‌دارد. لغزش جهان‌بینی او گاه تا جایی است که اصول مجرب تاریخ را نادیده می‌گیرد و می‌خواهد در مقابل جبر تاریخ و مقتضیات زمان و خواست عمومی بایستد. علاوه بر این، در آثار داستانی خود می‌خواهد علایق و آمال خود را بر واقعیات تحمیل کند. بدین جهت تئوری‌هایی که بر مبنای تبیین علّی پدیده‌ها و سازوکارهای علّی حاکم بر تحولات اجتماعی ارائه می‌کند، گاه با واقعیات تاریخی سازگاری ندارند و بدین جهت کاری از پیش نمی‌برند و مانند تئوری‌های متفکرانی که از قِبَلِ تئوری فربه خود به شهرت رسیده‌اند، به قرائت‌های کلان تبدیل نمی‌شوند. برای مثال یکی از سازوکارهای علی مورد نظر او را در مورد تحولات اخیر ایران می‌توان به تفصیل زنجیروار، چنین نوشت:

التزام شرط روشنفکری ← مخالفت با حکومت ← مخالفت با فروش نفت و خرید ماشین ← مخالفت با تجدد ← فراموش کردن اختیار مردم ← بی‌توجهی به معانی پدیده‌ها← بی‌توجهی به جزئیات و ترک استقرا ← توجه به ظواهر ← تحمیل عقاید خود به پدیده‌ها ← (مجدداً) مخالفت با حکومت.

در این چرخه معنی رفتارها و اختیار مردم مغفول مانده است. در اصل پدیده‌های اجتماعی حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که بر اساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند. اگر به ظواهر حوادث نگاهی لغزان بیفکنیم و از ورود در اعماق اختیارات فاعلان و اعتبارات و معانی موجود در رفتارهای آنها پرهیز کنیم تا مطابق پیش‌فرض‌های خود نظریه‌ای را بیان کنیم، یا به تبیین پدیده‌ای دست بزنیم، بسیار محتمل است که از واقعیات دور بمانیم.

وقتی جامعه از حالت بسته بودن درآید و مردم آگاهی‌های بیشتری از امکانات موجود و ظرفیت‌های ممکن و پدیده‌های جدید داشته باشند، اگر رخصت انتخاب نداشته باشند، قطعاً در پی کسب چنین رخصتی خواهند شد. اگر هم فرصت انتخاب داشته باشند، در هر دو حال اعمال و پدیده‌ها و حتی نهادهایی که برای گردش کار جامعه و ارتقای سطح کیفی و کمی رفاه اجتماعی پیامدها و فواید کمتری دارند، جای خود را به اعمال و پدیده‌ها و نهادهای سودمندتری خواهند داد. در این گزینش‌ها و تلاش‌های محسوس و نامحسوس باید به معنای نامحسوس رفتارهای فاعلان اجتماعی اعتبار قائل بود و نباید از تغییر رفتارها غفلت و به گزارش و توصیف قشر ظاهری تحولات و کمیت‌های جابه‌جا شده

در تحولات اجتماعی قناعت کرد. تحول در ذات جامعه است و در هر تحولی غربالگری عمومی صورت می‌گیرد و سختی‌ها و زیان‌ها جای خود را به رفاه و سودمندی می‌دهد. البته در این مورد به مقتضیات محیط نیز باید اعتبار قائل شد. برای مثال انسان‌های عاقلی که در جامعهٔ دهقانی سنتی زندگی می‌کنند، ممکن است رفتارشان با رفتار کسانی که در جوامع نوین صنعتی زندگی می‌کنند، متفاوت و تحولات محیطی‌شان کند باشد. این تفاوت ممکن است معلول تفاوت در خصال فردی یا ارادهٔ عاقلانه نباشد، بلکه معلول تفاوت‌های مهمی باشد که در محیط و زمینهٔ انتخاب آنان هست؛ بنابراین، نباید اختیار آنان را نامعتبر شمرد و آنان را متهم به غفلت و کاهلی کرد و به جای آنان تصمیم گرفت. رسالت روشنفکر در این‌گونه موارد روشنگری است، نه اتخاذ تصمیم. چون در رفتار هر فردی و جمعی که در یکی از عرصه‌های اجتماعی تصمیم می‌گیرند، اراده و هدف و عقلانیت خاصی هست که از آن به معانی پدیده‌ها تعبیر می‌کنیم و هر کس که قصد ورود به تبیین پدیده‌ها را داشته باشد، نباید از معانی پدیده‌ها غفلت بورزد. تبیین مقنع آن است که تفسیر معانی افعال فاعل را هم در برگیرد.

در فعل جمعی نیتی پنهان است که فاعل معنایی مضمون‌دار به آن می‌بخشد، خواه آن معنی برای دیگران روشن باشد، خواه نباشد. برای مثال در رمان نفرین زمین وقتی که مردم روستاها را ترک و به شهرها مهاجرت می‌کنند، رفتارشان معنی‌دار و متوجه رفتار حکومت است که رفاه در شهرها فراهم می‌کند و مردم برای رسیدن به چیزی که آرزوی آن در دلشان ایجاد شده است، به شهرها می‌روند. در اینجا دو نکتهٔ مهم وجود دارد: یکی از مقوم‌های فعل روستاییان معنا یا نیت مضمون‌داری است که در رفتارشان مدخلیت دارد و دیگر نیت آنان متوجه رفتار حکومت و نیت و فعل کسانی است که از فرصت ایجاد شده می‌خواهند سود ببرند. بنابراین روستاییان به شهرها می‌آیند تا به جاذبه‌های ایجاد شده برسند. با این توضیحات مراد از معنی داشتن فعل روشن می‌شود.

گاه فواید خدمتیِ و بدیهیِ پدیده‌های صنعتی را فدای عنادهای سیاسی می‌کند. برای مثال (از مظاهر ماشین) تراکتور یا آسیاب موتوری یا سد را نه در دل یک نظام بزرگ، بلکه در محدودهٔ یک بخش بسیار کوچکی از نظام بزرگ، فارغ از تأثیرات و تأثرات با دیگر بخش‌ها و با صرف نظر از آثار آن در طول زمان‌ها، بررسی کرده، کل اینها را به حال ایرانی سخت مضر ارزیابی می‌کند حال آنکه منافع سد در جهان قابل انکار نیست. در

این‌گونه موارد، آینده‌نگری و همه‌جانبه‌نگری و مطالعات دور از جزم‌اندیشی‌ها و عنادهای قالبی ایجاب می‌کند که کل نظام اجتماعی یکپارچه چون یک سیستم فعال دینامیکی دیده شود که اجزای تابع و مؤلفه‌های نظام‌مند آن نقش خدمتگزاری در آن را دارند. باید یکی از اهداف تئوری‌پردازِ مطالعات اجتماعی تبیین خدمت خاص هر تابع در دل کل سیستم اجتماعی در طول زمان و در تفاعل و تعامل با دیگر اجزا باشد.

نباید تغافل کرد از اینکه هر پدیده یا تحول اجتماعی اگر فایدهٔ خدمتی در جامعه و فعل سودمندی در دل نظام بزرگ اجتماع نداشته باشد و به حرکت دینامیکی کل اجتماع کمکی نکند، نمی‌تواند وارد اجتماع شود و یا اگر به زور وارد شد، نمی‌تواند بقای خود را به مدتی طولانی حفظ کند. از اینکه مصنوعات یا دانش‌های صنعتی غرب وارد ایران می‌شوند، صرف نظر از برنامه‌های حکومت و فروش نفت و ملازمهٔ معکوس آن، یعنی خرید ماشین، باید به مقتضیات زمینه‌های اجتماعی جامعه نیز نظری کرد و به اختیار عاقلانهٔ مردم نیز اعتباری داد. در این‌گونه موارد، فرایند انتخاب نامحسوس را نباید فراموش کرد. انتخاب نامحسوسِ جمعی، پدیده‌هایی را که کمک بیشتر به تحول هدفمند جامعه می‌کنند، به جای پدیده‌های به نسبت ضعیف از بابت سودمندی، وارد جریان زندگی می‌کند. در اینجا دو سازوکار قابل ملاحظه است که هر دو بر انتخاب آگاهانهٔ جمعی متکی هستند: نخست اینکه مردم دور از برنامه‌های مدون و هدفدار حکومت، منافع حاصل از یک پدیده را می‌دانند و به دنبال آن می‌روند و همین امر موجب رواج و دوام آن پدیده در جامعه می‌شود؛ دوم اینکه گاه اولیای برنامه‌ریزی‌های کلان سیستم بزرگ اجتماعی، پیش از مردم به فواید آن وقوف دارند و مایل هستند که با ترویج آن پدیده به رونق نظام کلان اجتماعی و تحول آن یاری کنند. آل‌احمد به فواید صنایع و انتخاب مردم اعتباری نمی‌دهد و مردم را مغلوب اهداف اقتصادی حکومت می‌داند. او نوک پیکان طعن خود را متوجه برنامه‌های حکومت کرده و آن را خدمتگزار اهداف اقتصادی بیگانه معرفی می‌کند.

## ۴. بحث و نتیجه‌گیری

آل‌احمد به چند دلیل در تبیین پدیده‌ها و احراز مقدمات پیشگویی‌های کلان ناموفق است: نخست اینکه او در دانش اجتماعی مداقه و استقصای لازم را ندارد و در عین حال از هر گونه نظم قانون‌وار و انضباط علمی که قلم را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کند، گریزان است حال آنکه بدون تبعیت از نظم قانون‌وار و انضباط علمی نمی‌توان به تبیین و تحلیلی

قابل تعمیم و معتبر رسید. دیگر اینکه از منظری بیرونی به نمای کلی تاریخ معاصر می‌نگرد. مفاهیم آثار او اغلب مجرد و کل شخصیت‌های آثارش نمادین هستند. وی بخشی از تاریخ ایران را می‌نگارد که رویهٔ بیرونی آن متصل به تاریخ جهان است، با تأثری انحصاری از اقتصاد که همهٔ فراز و نشیب‌ها را ایجاد می‌کند. بدین جهت کمتر صحنه یا شخصیت یا رفتاری می‌توان در آن یافت که شخصی، جزئی، مقطعی و قابل استناد به کسی یا چیزی باشد. اگر هم بتوان سیمایی از واقعیت را در شخصیت‌های آن منعکس شده یافت، آن شخصیت بیش از آنکه نمایندهٔ خود باشد، نمایندهٔ تیپ یا قشری است که خود نمونهٔ برجسته‌ای از آن به حساب می‌آید. این کلی‌نگری او را از فواید مدل تبیین استقرایی محروم می‌کند.

همواره نمی‌توان در آثار و نظریات اجتماعی آل‌احمد نظم استقرایی را محتمل دانست. گاه ربط علّی دو پدیده را به تمام پدیده‌های مشابه دیگر تعمیم می‌دهد، بی‌آنکه مستند به نمونه‌های مشابه باشد. در اینجا به یک نمونه اشاره می‌کنیم: اگر در دهی ورود تراکتور موجب اختلاف روستاییان شود، این رابطهٔ منحصربه‌فردِ علّی ورود تراکتور و اختلافات فرضی اهل ده را به تمام روستاها و به تمام شرایط زمانی و مکانی تعمیم داده، پیش‌بینی می‌کند که ورود تراکتور موجب تشنج روستا و مستلزم دخالت نظامی حکومت و قدرت نمایی استراتژیک و قهر و غلبهٔ آن بر ملت خواهد بود. این‌گونه تئوری‌پردازی او را نمی‌توان به‌عنوان تبیین‌های استقرایی پذیرفت. در این‌گونه موارد که در آثار او فراوان است یا به عبارت دیگر اکثر تئوری‌های وی از این قبیل است، تئوری‌های او را باید از نوع تبیین‌های قیاسی قلمداد کرد.

البته باید گفت: تبیین حوادث اجتماعی به روش قیاسی و تئوری‌پردازانه به معنی نامعتبر بودن روش یا تئوری نیست، مگر اینکه تئوری‌پرداز شتاب‌کارانه و ناسنجیده مدعی تعمیم کامل تئوری خود شده باشد. تبیین‌های تئوریک رکن علوم اجتماعی هستند، اما باید توجه داشت که ارزیابی دقیق تجربی فرضیات تئوریک امری ضروری است. تئوری‌پردازِ اجتماعی باید آمادهٔ مواجهه با پدیده‌های بسیار متنوع و نسبت به تنوع فرایندهای اجتماعی حساس باشد و علاوه بر اینها جعبهٔ ابزار مجهزی در اختیار داشته باشد، آکنده از دستاوردهای بخش‌های مختلف علم الاجتماع. در آثار آل‌احمد از شتاب‌کاری‌هایی که آفت تبیین‌های تئوریک است، فراوان می‌توان یافت.

به نظر می‌رسد، آل‌احمد از ضرورت زمان و از سر ناگزیری به طرح مسائل اجتماعی می‌پردازد، به عبارت دیگر فرهنگ و تمدن ایرانی را در میان دو تیغهٔ مقراض سوسیالیسم و کاپیتالیسم در معرض خطر می‌بیند. او در تمام آثارش نگران از بین رفتن فرهنگ و تمدن ایرانی است که بر اثر تسلط ماشین بر فکر و ذهن مردم و بر اثر گسترش زندگی سنتی، روز به روز بیشتر به‌سوی اضمحلال می‌روند. در اصل با مصداق‌های غالب تئوری‌های اجتماعی مارکس مخالفت می‌کند و آرزو دارد که هیچ یک از تئوری‌های وی در ایران به مرحلهٔ تحقق نرسد و اقتصاد ماشینی جای سنن و معتقَدات و ارزش‌ها و عوالم والای انسانی را نگیرد. آل احمد از تصور وابستگی فرهنگی ایران به غرب به وحشت می‌افتد و با تحول نظام‌های سنتی موجود در زندگی ایرانیان مخالف است، چراکه هنوز زمینه‌های فکری و فلسفی آن فراهم نشده است.

تصور او این است که عامل سقوط نظام‌های سنتی ایران، نظام اقتصادی نوینی است که در جهان در حال استحکام دادن پایه‌های خود و گسترده شدن به کل جهان است. در این نظام اقتصادی، نظامات سنتی محلی متحول می‌شوند و به دنبال آن تمام جنبه‌ها و عوالم معنوی انسان از او گرفته می‌شود و انسان به ماشین بدل می‌شود. نخستین ثمر این نظام اقتصادی گسترش فرهنگ تجارت و شهرنشینی است. تقسیم اراضی و توسعهٔ شهرنشینی لازم و ملزوم همدیگر هستند. این پدیده در ایران روند طبیعی خود را با حفظ مقدمات لازم طی نمی‌کند. برنامه‌های غرض‌آلود و جاهلانهٔ حکومت وقت و دول خارج، حرکت و توسعهٔ طبیعی مهاجرت از ده به شهر را مضاعف می‌کنند، خواه دخالت اولیای کاپیتالیسم غربی باشد، خواه دخالت مبلغان مارکسیسم روسی.

اصلاحات ارضی که در ایران «بیشتر در رابطه با هدف سیاسی و در حقیقت به‌منظور تحکیم موقعیت رژیم» (وثوقی، ۱۳۸۴: ۱۹۰) و برای رونق گرفتن بازار مصرف کالاهای صنعتی غرب وقوع می‌پیوندد، به نظر او موجب تحولات بزرگ و برای استقلال ایران در تمام عرصه‌ها خطر بزرگی محسوب می‌شود. این پدیده در ایران نه تنها سطح درآمد ملی را افزایش نمی‌دهد، از خیل بی‌کاران نمی‌کاهد، آثار مطلوبی را که در جهان بخشیده در ایران نمی‌بخشد و چشم اندازی از توسعه مترتب بر آن نیست، بلکه هر اثر سوء آن به مرور زمان حاصل می‌شود؛ روستاییان را بر خیل بیکاران و درماندگان شهری می‌افزاید و از عزت ایرانی می‌کاهد. همچنین اقتصاد مستقل و نیمه جان ملی را مضمحل و باورها و اعتقادات

مردم را از آنان سلب و موجبات وابستگی در تمام عرصه‌های مادی و معنوی را فراهم می‌کند.

محرک و مبدع قانون تقسیم اراضی خواه کاپیتالیسم غرب باشد، خواه توطئه‌های پنهان مبلغان مارکسیسم روسی و خواه حکومت ایران، به هر تقدیر باید از اجرای قانون اصلاحات ارضی پرهیز کرد. او همان قدر که از خطرات کاپیتالیسم می‌ترسد، از تحقق تئوری‌های مارکس واهمه دارد. با تحقق یافتن اغراض غربیان در ایران پیشگویی‌های مارکس، یعنی خالی شدن روستاها به نفع شهرها، به وقوع می‌پیوندد که خلاف میل آل‌احمد است. البته عناد با پیشگویی‌های مارکس به نوعی عناد با حزبی است که آل‌احمد از آن انشعاب کرده است.

بدین ترتیب با ساختارهای اجتماعی[1] جدید که در جهان پیشرفته گسترش یافته است و به‌تدریج امواج آن بیشتر در قالب اصلاحات ارضی و در ضمن برنامه‌های حکومتی و منویات احزاب به ایران می‌رسد، مخالف است. ایرانی را آزاد از هر قید وبندی می‌خواهد بی‌آنکه به مقتضیات متنوع عصر و امکانات و محدودیت‌های موجود بیندیشد. با وجود این هرگز نمی‌خواهد که قید و بندهای نظام‌های سنتی اعم از اعتقادی و اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های مألوف از پای وابستگان نظام‌های اجتماعی قدیم باز شود. تنها می‌خواهد که ایرانیان سنتی از ساختارهای اجتماعی جدید که سیاست اجتماعی غالب عالم مبلغ و مروج آن است، دور ماند. یک نمونه ساختار اجتماعی سنتی را از رمان نفرین زمین چنین می‌توان استنباط کرد: معنویات و باورها متصلند به عالم اساطیر و حقیقتی نامکشوف و خارج از محدودیت‌های عقل تجربه‌گرا که از علل تجدد محسوب است؛ در فرهنگ سنتی بومی پیران قوم تنها منابع فکری و عملی و قضایی و تکیه گاه فکری به حساب می‌آیند؛ اقتصاد وابسته به زمین و متکی به قناعت و خرسندیِ مقرون به عزت نفس است که صرفاً نیازهای اولیه و اساسی زندگی را در حد بدایت خلقت برمی‌آورد. جز این، شیوهٔ زیستی دیگری را پیشنهاد نمی‌کند. نمی‌توان در آثار او تصریح یا قرینه‌ای حاکی از این یافت که مردم ایران در چرخهٔ تحولات اجباری که جهان با آن می‌چرخد، چه شیوه‌ای باید داشته باشد. آیا نمی‌توان به شیوه‌ای اقتصادی اندیشید که برخاسته از روابط اجتماعی مردمان ایران باشد و

---

۱. ساختارهای اجتماعی نظاماتی هستند با دوام و سامان بخش که با تعیین فراخناها و تنگناها هدایتگر و محدودکننده یا الهام بخش رفتار آدمیان اند (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۶۸).

ایرانی بتواند در آن شیوه حقوق و منزلت و امتیازات انسانی و اجتماعی خود را حفظ کند و کالاهای مادی به قدر خدمتی که به این غرض می‌کنند، برای وی ارزش داشته باشند؟ و اصلاً چگونه می‌توان به آن رسید؟ به هر حال شیوهٔ زیست مدون و پاسخگو به نیازهای عصر و مقتضیات زمان چیزی در پیش پای ایرانیان نمی‌گذارد، جز حفظ سنت‌هایی که به شدت مغلوب تجدد هستند. بدین ترتیب در واقع راه پیشنهادی او فلسفهٔ دفاعی دارد، نه انگیزهٔ حرکتی.

او از مظاهر تجدد، ماشین را موجب شهرنشینی و آن را علت تزلزل فرهنگی معرفی می‌کند، اما معلوم نمی‌کند که چرا ماشین فقط در ایران آفت محسوب می‌شود. از علل تحولات فرهنگی که به نظر او همانا تزلزل فرهنگی و از خود بیگانه شدن و به جامهٔ فرهنگ بیگانه ملبس شدن است، فقط ماشین و زندگی و محیط به وجود آمده از مقتضیات آن را می‌بیند اما از اعماق تاریخ و محیط ایران پیش از ورود ماشین و اقتضاهای جهانی چشم می‌پوشد. در واقع تحولات به وجود آمده در جهان و فقر و زمینه‌های پرثبات فرهنگ عامیانه را نادیده می‌انگارد.

به جرئت می‌توان گفت: ماشین در کنار فقر و آنچه جبر تاریخ خوانده می‌شود، شرایط مهیا کنندهٔ تحولات فرهنگی ایران است. بنابراین ماشین به تنهایی نه شرط کافی پدیدهٔ تحولات فرهنگی است و نه شرط لازم آن، زیرا شرط دیگری می‌تواند قائم مقام آن باشد، حتی اگر حاکمان ایران غرب‌زده نباشند، نفت نفروشند، ماشین وارد نکنند، به سبک غربیان سد نسازند و برق تولید نکنند؛ چنانکه در کشورهای بدون نفت و بدون حاکمان غرب‌زده می‌بینیم.

باید بدانیم که در ایران آن روز، فقر عاملی است خفته و زمینهٔ بسیاری از تحرکات محتمل و تجدد عاملی است که فقر مادی و علمی را محسوس‌تر و مردم را نسبت به وضع خود آگاه‌تر می‌کند و با اتکا به عقل سودجو چشم اندازهای جذاب‌تر را نشان می‌دهد. این دو با تعامل با یکدیگر، شرط لازم وقوع پدیدهٔ بی‌ثباتی شدید در فرهنگ و سنت هستند.

شرط کافی این بی‌ثباتی عبارت است از: ترکیبی از فقر، طلب تجدد که چشم‌انداز رفاه در آن هست، تحرک سیاسی و اجتماعی و نارضایتی روشنفکران و نخبگان جامعه. تجدد طلبی تحولی است اجتماعی که زنجیره‌ای از علل و معلول‌ها (سازوکار علی تحولات) را در پی دارد. مثلاً موجب سست شدن قیودی می‌شود که از فرهنگ و سنت

ایجاد می‌شوند. هر یک از این فرایندهای علّی را باید با سازوکارها و قوانین پدید آورنده آنها همراه کنیم تا بتوانیم به استنتاجی منطقی برسیم. مثلاً تجددطلبی چون رشتهٔ نظم سنتی جامعه را می‌گسلد و از تأثیر خانواده و اعتقادات مألوف می‌کاهد و بر روند مهاجرت از ده به شهر سرعت و توسعه می‌دهد و مردم را به اجبار به دام روابط حاکم بر بازار و اقتصاد تجاری می‌افکند، موجب می‌شود قیودی که اعتقادات و باورهای فرهنگی بر رفتار مردم می‌نهند سست شود، این قضیه منحصر به ایران نیست که نفت دارد.[۱]

در این گونه موارد نگاه تئوریک آل‌احمد به پدیده‌های اجتماعی ایران بیش از هرچیز تابع عناد او با حکومت است. بدون عنایت به معانی و اهداف اعتباری و متفاوت در زندگی مردمان مناطق مختلف ایران، هرگونه اظهار نظر در عرصهٔ تحولات اجتماعی نوعی مجمل‌گویی و اندازه‌گیری بی‌قاعدهٔ کمیات بی‌پایان و بی‌شکل است. او نمی‌خواهد به یاد آورد که افعال آدمِ مختار ظاهر و باطن دارد. فهم برون از راه فهم درون، هم ممکن است و هم منطقی، اما عکس آن صادق نیست. به جای اینکه احوال و اوصاف بیرونی را بر حسب معانی درونی و اهداف مکتوم تبیین کند، با بی‌اعتنایی تمام به معانی درونی، نظریات خود را بر ظاهر و باطن پدیده‌ها تحمیل می‌کند. معانی پدیده‌های اجتماعی صرف نظر از ارزش‌های معنوی، غالباً برخاسته از روش سودجویانهٔ زندگی مردمان است. حال آنکه آل‌احمد کل تحولات اجتماعی و رفتارها و گزینش‌های جمعی را به زیان مردم ایران پیشگویی می‌کند.

یکی از دلایل خصومت آشتی‌ناپذیر آل‌احمد با حکومت، فدا کردن معناکاوی در پای علت‌کاوی پدیده‌هاست که به قلب واقعیت منجر می‌شود. به عبارت دیگر، او به جای اینکه به معانی و دلایل اعتباری و متفاوت در پدیده‌های متعدد توجه کند، همهٔ پدیده‌ها را شبیه هم و تابع یک محرک معرفی می‌کند و دلایل تمامی آنها را در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی حکومت می‌جوید. وی فضایی آلوده به یأس خلق کرده، رفتارهای حکومت و عمدتاً فروش نفت را عامل آن معرفی می‌کند، به جای اینکه دلایل اعتباری و متفاوت تحولات زندگی مردمان ایران- مثلاً مهاجرت روستاییان به شهرها را- در ماهیت متفاوت هر پدیده بجوید و اختیار آدمیان را معتبر بدارد و به تفحص جزئیات زندگی‌های سبک‌های

---

۱. در مورد تزلزل قیود سنتی در جهان سوم ، رجوع شود به:
- پل هریسون، درون جهان سوم، تهران: انتشارات فاطمی، ۱۳۶۴.

متعدد اعم از مشابه و غیر مشابه بپردازد، آنها را کلیتی یکپارچه و دور از اختیارات صاحبان زندگی و تابع برنامه‌های حکومتی و تحولات حاصل از ورود ماشین به ایران و به عبارت دیگر فقط از چشم خود می‌بیند و تفسیر و تعبیر می‌کند. در این صورت، در واقع تأملات نامجرب خود را بر واقعیات موجود و تحولات جدید تحمیل می‌کند.

آل‌احمد مانند مارکس جامعه را در حکم پاره‌ای از طبیعت می‌بیند و عناصر مزاحم از نوع اختیار و اعتبار و نیازهای معنوی و عناصری از قماش آن را کنار می‌گذارد و به جای اینکه از درون امور را تجربه کند، از بیرون در آنها تصرف می‌کند. به دیگر سخن، به جای اینکه از عالم درون آدمیان در تحولات اجتماعی خبر دهد، از علل آن، از دید اقتصادی، خبر می‌دهد. او آدمیان را همچون لوازم جانبی می‌بیند که به نیروی کور ماشین مطابق شرایط آن، متحول می‌شوند، بی‌آنکه انواع تحولات را با توجه به تجارب ملل دیگر تبیین کند، به مقیاس تئوری برخاسته از این جهان‌نگری تبیین می‌کند. نوعی اعتقاد در ذهن او هست که در میان پدیده‌های اجتماعی نوعی نظم استقرایی می‌جوید، از قماش آن که در میان پدیده‌های طبیعی وجود دارد. اگر میان دو پدیده نظمی استقرایی باشد، قرینهٔ نیرومندی است بر اثبات وجود رابطهٔ علی میان آنها. برای مثال، اگر ورود ماشین به روستا موجب مهاجرت روستایی به شهر شود و این امر به کثرت قابل ملاحظه باشد، چنانکه بتوان میان پدیدهٔ ورود ماشین به روستا و پدیدهٔ مهاجرت روستایی به شهر از کثرتی که خارج از حدود تصادف باشد، به نظمی قانع‌کننده رسید، می‌توان گفت: بین آن دو پدیده رابطهٔ علی وجود دارد. اگرچه کثرت تکرار این پدیده‌ها ممکن به نظر می‌رسد، آل‌احمد بحثی مستدل و مستند به نمونه‌ها و روش‌های آماری پی نیفکنده است، بلکه به تأملات خود تکیه کرده است. البته باید گفت: او احتمالات شرطی و ملازمات و تقارنات را به جای روابط علی می‌گذارد و بر مبنای همین جابه‌جایی غیر آماری رأی صادر می‌کند. فرض کنیم معلوم شود که بیشتر روستاهایی که پای ماشین به آنها رسیده است، مهاجر به شهر می‌فرستند، یعنی نوعی تلازم و تقارن میان ورود ماشین به ده و خروج روستایی از ده کشف شود. حال اگر تلازمی میان تقسیم اراضی و مهاجرت روستایی به شهر یافت شود، لاجرم تلازمی میان گسترش شهر نشینی و تقسیم اراضی یافت خواهد شد، اما نمی‌توان گفت که شهرنشینی لزوماً علت تقسیم اراضی است.

## فهرست منابع

۱. آل‌احمد، جلال، یک چاه و دو چاله، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۵۶ الف.
۲. آل‌احمد، جلال، غربزدگی، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۵۶ ب.
۳. آل‌احمد، جلال، ارزیابی شتابزده، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷ الف.
۴. آل‌احمد، جلال، کارنامه سه ساله، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۵۷ ب.
۵. آل‌احمد، جلال، نفرین زمین، تهران: انتشارات رواق، ۱۳۵۷ ج.
۶. آل‌احمد، جلال، اورازان، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۳.
۷. آل‌احمد، جلال، سفر به ولایت عزرائیل، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۸۴.
۸. دانایی فرد، حسن، «نظریه پردازی در علوم انسانی»، مجله هم‌اندیشی، شماره هفتم، پاییز، ۸-۱۳، ۱۳۸۸.
۹. لیتل، دانیل، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمهٔ عبدالکریم سروش، تهران: مؤسسهٔ فرهنگی صراط، ۱۳۷۳.
۱۰. مصباحی‌پور ایرانیان، جمشید، واقعیت اجتماعی و جهان داستان، تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۸.
۱۱. وثوقی، منصور، جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۸۴.